



## یک مدل ساخت سرمایه اجتماعی\*

کاتلین جاناتان\*\*

ترجمه و تلخیص: برزان غفوری\*\*\*

### چکیده

این مقاله با بحثی کوتاه در مورد سرمایه اجتماعی آغاز شده و در ادامه دیگر شکل‌های مختلف سرمایه اجتماعی و ارتباط آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفاهیم با آثاری از برجیو، پورتس و دیگران که منابع و نتایج سرمایه اجتماعی را متمایز می‌کنند، روشن می‌شوند. سپس از تعریف ویژه‌ای برای تعیین دوام شبکه اجتماعی با توجه به مدل تشکیل سرمایه اجتماعی استفاده خواهد شد. سرانجام از این مدل سرمایه اجتماعی و شبکه اجتماعی به عنوان نتیجه‌گیری و سنجش برای پروژه ابتکاری شغلی بهره‌برداری خواهد شد. این مقاله سه هدف را دنبال می‌کند: ۱- بحث در مورد مفهوم سرمایه اجتماعی، منابع و نتایج آن. ۲- ارائه‌ی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی. ۳- استفاده از دیدگاه‌های این بحث و استفاده از مدل شبیه‌سازی برای طراحی منابع بالقوه، نتایج و توسعه سرمایه اجتماعی در کمپ برتون، نواسکاتیا در طول نمونه آوردن «اجتماع پروژه ابتکاری شغلی» (CEIP).

\* این مقاله به عنوان یک زمینه برای اجتماع پروژه ابتکاری اشتغال (CEIP) توسط مؤسسه کار و تحقیقات اجتماعی (SRDC) و توسعه منابع انسانی (HRDC) در کانادا انجام یافته است.

\*\* Cathleen Johnson

\*\*\* کارشناس تاریخ

## مقدمه

افزایش شواهد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در تجارت، خیانت، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه روستایی شاخص مهمی است (Bates, 1999, Grootaert, 1998, Paldma, 2000, Pantoja, 2000, Rose, 1999, 1998; Van Bastaler, 1999). ولوک و نارین به خوبی ایده‌های حدسی و اجتماعی در مورد سرمایه اجتماعی را جمع‌آوری کردند (۲۰۰۰). آنها می‌گویند که «ایده‌های اساسی سرمایه اجتماعی خانواده، دوستان و اطرافیان خود سرمایه مهمی را برای او فراهم می‌آورند. فردی که در یک بحران از او درخواست کمک می‌شود، از خود به این خاطر احساس خوشایندی دارد و یا از آن به عنوان اهرم فشار برای به دست آوردن نفعی بهره‌برداری می‌کند. این جامعه‌ها دارای یک بازار ثروتمند شبکه اجتماعی تعاملات اجتماعی هستند که آنها را در یک موقعیت قوی برای مقابله با فقر و آسیب‌پذیری قرار می‌دهد، کشمکش‌ها را برطرف می‌کند و یا از موقعیت‌های جدید منافی را نصیب آن جامعه می‌کند (p-3) در طول سالهای اخیر، سرمایه اجتماعی تبدیل به موضوعی برای مطالعه در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد شده است.

سرمایه اجتماعی ممکن است در بعضی موقعیت‌های اقتصادی یک شاخص مهم باشد زیرا یک دارایی را به ارمغان می‌آورد. با این حال سرمایه اجتماعی از سرمایه مالی و فیزیکی متفاوت است. زیرا سنجش آن مشکل‌تر و بعضی اوقات قابل تبدیل نیست. ولوک و نارین (۲۰۰۰) یک ویژگی مشخص سرمایه اجتماعی را در درک فقر ذکر کرده‌اند. برای بعضی از اشخاص، سرمایه اجتماعی ممکن است فقط دارایی برای آنها به ارمغان آورد. «زندگی در حاشیه نشینی» سرمایه اجتماعی فقرا یک دارایی است که می‌تواند در سوق دادن آنها در رسیدن به یک توافق از طریق دنیایی غیر قابل انتظار و کینه‌توزانه کمک کند (ولوک: ۲۰۰۰، ۱۹). برای مثال پورنستن در مورد بانک‌های آلمانی در بنگلادش به گروهی کوچک وام می‌دهد و آنها را چرخه وام‌دهی می‌نامد. این چرخه وام‌دهی بازپرداخت برای دیگر اعضا را تضمین می‌کند. سرمایه اجتماعی اولیه این چرخه سرمایه اجتماعی است.

به خاطر تعدد گرایش‌ها در مطالعه سرمایه اجتماعی، تعریف واحدی از آن وجود ندارد. گرچه مطالعه تأثیر برنامه‌هایی مانند (CEIP) بر سرمایه اجتماعی، عملاً از این مفهوم استفاده شده است. هدف این نوشته در همین راستاست.

### تعریف سرمایه اجتماعی

تعریف سرمایه اجتماعی یک تاریخچه‌ی معاصر جالبی دارد. جامعه‌شناس فرانسوی بوردیو سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «ساخت تعهد اجتماعی که در شرایط ویژه سرمایه اجتماعی قابل تبدیل باشد... و دوباره به عنوان منابعی بالقوه که به مالکیت دائمی شبکه بیشتر یا کمتر روابط بنیادی آشنایی یا شناخت دو جانبه مرتبط باشد».

به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی ارزش تعهد یا تماس اجتماعی است که از طریق شبکه اجتماعی تشکیل می‌شود. شبکه‌های اجتماعی وسایلی هستند که از طریق آن سرمایه اجتماعی ایجاد، ماندگار و کاربردی می‌شود. به طور خلاصه شبکه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی را منتقل می‌کنند. برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ جاکوبس شواهد روایی برای اهمیت تشکیل سرمایه اجتماعی برای کارکرد جامعه را ارائه کرد. این (همسایگی) شبکه‌ها سرمایه‌های قابل حمل شهرها هستند. وقتی به هر دلیل سرمایه‌ها از بین می‌روند، درآمد آن نیز از بین می‌رود و هرگز درآمد آن تا زمانی که سرمایه جدید به صورت آهسته و اتفاقی اندوخته نشود، باز نمی‌گردد (۱۹۶۱، ۱۸۰). لوری اولین اقتصاددانی است که از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده کرد؛ او از این مفهوم برای بحث در برابر تئوری اقتصادی نئوکلاسیک نابرابری نژادی درآمد و جنبه نهفته سیاست استفاده کرد. کلمن در مقاله‌اش در ۱۹۹۸ سرمایه اجتماعی را به عنوان یک نوع وجود با دو عنصر مشاع؛ آن‌ها شامل بعضی جنبه‌های ساختار اجتماعی است که کنش بعضی از کنشگران اعم از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را تسهیل می‌کند (p. 95). پورتس (۱۹۹۸) بر نبود صراحت در تعریف کلمن و فقدان تحقیقات مرتبط بوردیو بر منابع کلمن تأکید کرد. پورتس اظهار داشت که این تعریف مبهم راه را برای تعدادی از سرمایه‌های اجتماعی مانند: دوستان، هم‌دانشگاهی‌ها و ارتباط عمومی بیشتر با آن‌هایی که شما فرصت دارید از سرمایه‌ی انسانی و مالی‌شان استفاده کنید، باز می‌کند.

پورتس تأکید می‌کند که مشاهدات بورديو، کلمن، برت، لوری و دیگر دانشگاهیان یک اجماع را به وجود می‌آورد. در ادبیات سرمایه اجتماعی توانایی کنشگران برای در امان ماندن سرمایه‌ها با منافع عضویت شبکه‌های اجتماعی و یا دیگران ساختارهای اجتماعی را می‌طلبد (ص ۶). ولوک و نارین (۲۰۰۰) در مورد افزایش اجماع میان عالمان می‌نویسند. با این حال ولوک یکی از انتقادات اصلی را متوجه ادبیات می‌کند؛ که بیشترین علاقه را در سرمایه اجتماعی با تعریفی ارائه می‌دهد که تنها مستلزم ساختار شبکه‌های اجتماعی نمی‌شود بلکه، حالت‌های رفتاری (مانند اعتماد، مقابله، صداقت) و مقیاس‌های کیفی مؤسساتی (نقش قانون، آزادیهای مدنی) را شامل نمی‌شود (ص ۷). برای مثال یک کار که توسط کناک و کیفر انجام شده، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و اجرای برجسته‌ی اقتصادی را دنبال می‌کند. آن‌ها از سؤالات ممیزی در مورد اعتماد و همکاری مدنی به عنوان نماینده‌ای برای سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند. آن‌ها درک کردند که اعتماد و همکاری مدنی تأثیرات رضایت‌بخشی بر تراکم و تجمیع فعالیت‌های اقتصادی دارند و این تعریف کیفی مؤسساتی به وسیله بورديو و دیگران تغییر جهت پیدا می‌کند. ممکن است که چندان تفاوتی نداشته باشد ولی توسعه آن برای انتقال به دیگر محققان فرایندی موجه است. به موجب آن منابع و نتایج این دارای تغییر شکل پیدا می‌کند. این تعریف از سرمایه اجتماعی، بعضی اوقات با سطح اعتماد و معیارهای دولتی اندازه‌گیری می‌شود که تحقیقات جالبی را ایجاد می‌کند اما منجر به انتقادهایی شده که سرمایه اجتماعی به همه چیز مردم نسبت داده شود.

### نتایج سرمایه اجتماعی

بر اساس نوشته‌ها، سرمایه اجتماعی دو عملکرد اساسی دارد: ۱- به عنوان یک کنترل اجتماعی ۲- به عنوان منبع کسب منافع از طریق شبکه (در اینجا منافع حاصل از شبکه مورد تأکید است). نوشته‌های کلمن در کارکرد دوم سرمایه اجتماعی مخصوصاً به عنوان منبع حمایتی والدین و خویشاوندان واضح است. خانواده با دو شریک، صاحب بیشتر این نوع سرمایه است تا خانواده‌ی تک نفری (کلمان ۱۹۸۸). تقویت تربیت و رشد شخصی فرزندان ناشی از این کارکرد سرمایه اجتماعی است. بر اساس این شرح کارکرد دوم سرمایه اجتماعی ممکن است به عنوان سرمایه فرهنگی قلمداد شود.

رایج‌ترین سرمایه اجتماعی به عنوان منافع واسطه در شبکه فراتر از خانواده متوسط است. این تعریف نزدیک‌ترین تعریف به تعریف بوردیو (۱۹۸۶) است. جالب آنکه، تعداد زیادی از نویسندگان جامعه‌شناس در حوزه قشر بندی، بر کارکرد سرمایه فرهنگی در پروژه‌های تحقیقاتی شان تأکید کرده‌اند، و به طور صریح آن را به عنوان سرمایه اجتماعی مفهوم‌سازی نموده‌اند.

این تعریف غالباً برای توضیح رشد استخدام، تحرک و موفقیت در کارسالی به کار برده می‌شود (برای مثال آلن (۲۰۰۰). آنهیر، گهارد و رومو (۱۹۹۵)، بیترنر، لاتمر مولایتاین (۲۰۰۰)، داورن (۱۹۹۹) هاگان، ماک میلان و ویتون (۱۹۹۶)، اینگرام و رابرتس (۲۰۰۰)، لایت (۱۹۸۴)، موننگموری (۱۹۹۱) وین گولد (۱۹۹۹) و یگنر (۱۹۹۱)).

همچنین تعداد زیادی از نویسندگان به صراحت بین منافع واسطه‌ای شبکه و سرمایه اجتماعی رابطه ایجاد کرده‌اند (برای مثال فرناندز کلی (۱۹۹۵) کیتل و ویدال (۲۰۰۰) دیک پرنس (۲۰۰۰)، سانتن-سالازارت و درنابوش (۱۹۹۵) و تمکین و روه (۱۹۹۸)).

گرانوتر، برت و لین به تأکید در مورد قدرت روابط شبکه نوشته‌اند. گرانوتر یک مدل وسیع را توسعه داد که از تقویت روابط ضعیف دفاع می‌کند. یعنی روابطی که خارج از روابط دوستانه و خانوادگی است. قبل از این کار، روابط قوی به عنوان ارزش‌های اجتماعی به آنها نگریسته می‌شد. گرانوتر نشان داد که روابط ضعیف، به عنوان جزئی از دسترسی به اطلاعات متفاوت و جدید، با ارزش است. از طرف دیگر برت (۱۹۹۲) استدلال کرد که عناصر قاطع موجب ضعف و قوت روابط نمی‌شود، بلکه تراکم شبکه باعث ضعف و قوت آن می‌شود. برت این گشایش‌ها را در شبکه، «چالش‌های ساختاری» می‌داند. این دو مفهوم متناقض نمی‌باشند. نتیجه‌گیری گرانوتر بر اساس اظهارش این است که یک پیوند قوی همچنین نباید تکراری باشد. برت چنین فرضیه‌ای ساخته که در آن به جای شبکه به عنوان یک کل، بر کاراکترهای جزء رابطه تمرکز دارد. در اثری که در همان زمان منتشر شد لین (۱۹۹۹ و ۱۹۸۲) تئوری منابع را گسترش داد، او نتیجه گرفت منابع اجتماعی بر درآمد یک عمل تأثیر دارند. منابع اصلی هم به نوبه خود، به وسیله وضعیت منبع در ساختار اجتماعی فرد متأثر می‌شوند و نهایتاً آن منابع اجتماعی با استفاده از روابط ضعیف‌تر نسبت به روابط قوی‌تر متأثر می‌گردند.

کار گرانوتر، برت و لین یک اساس برای نوشته‌های مورد قبول اخیر ارائه داده: ضعیف یا قوی بودن روابط را می‌توان «به هم پیوستگی» و «متصل کردن» روابط نامید (گیتل، ویدل ۱۹۹۸). روابط درونی جامعه یا خانواده به روابط به هم پیوستگی برمی‌گردد ولی روابط فرا جامعه و خانواده به روابط «متصل کردن» مربوط است. برای سهولت در روابط شبکه، مفاهیم انتزاعی تر می‌تواند روابط در شبکه را توضیح دهد. مفاهیم تراکم شبکه و همگونی آن برای توصیف کردن روابط در شبکه می‌تواند استفاده شود. برای مثال شبکه همگون تراکم می‌تواند قوی و به هم پیوسته باشد. پورتس (۱۹۹۸) بیان می‌کند که کارکردهای متفاوت سرمایه اجتماعی ممکن است با یکی دیگر از کارکردهای آن برخورد داشته باشد. ولوک و نارین هشدار می‌دهند که سرمایه اجتماعی می‌تواند بسان شمشیر دو لبه باشد.

توصیف آن‌ها می‌تواند نوسان برآیندهای مرتبط با سرمایه اجتماعی را توضیح دهد. ظرفیت اقتدارهایی که قوانین را به زور به اجرا درمی‌آورند می‌توانند به عنوان مثال به وسیله شبکه‌های محکم که کارکرد آنها خشونت قوانین را برای منافع اعضای آن تسهیل می‌کند تحقق یابد. سیستم جنایات سازمان یافته یک نمونه از شبکه‌های محکم در نظر گرفته می‌شود که توانایی اجبار قوانین را خنثی می‌کند. این نوع برآیند به نیاز به نگاه نزدیکتر به معاملات اجتماعی اشاره می‌کند، زیرا استفاده از سرمایه اجتماعی همیشه منجر به یک نتیجه منفعتی نمی‌شود. مقدار زیادی از تحقیقات اجتماعی سرمایه اجتماعی به خاطر تأکید بر تأثیرات مطلق سرمایه اجتماعی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.

سرمایه اجتماعی می‌تواند یک رشته تأثیرات منفی داشته باشد. دورلاف (۱۹۹۹) پورتس و لاندولت (۱۹۹۶) و ولوک و نارین تعداد زیادی از این تأثیرات منفی را بیان کرده‌اند. نخستین تأثیر منفی طرد است. وقتی فردی می‌خواهد دستاوردی برای گروهی دربرداشته باشد، ممکن است روابط قوی بین اعضای این گروه که امکان دارد همانند روابطی باشد که اجازه ورود را ندهد او را از ارائه دستاورد خود محروم نماید. والدینگر توضیح می‌دهد که کنترل قوی سفیدپوستان بر مدیریت تجارت و آتش‌نشانی و پلیس نیویورک اعمال شد. شواهدی دال بر اینکه هویت گروه بتواند خصومت بین گروه را هدایت کند در روانشناسی زیاد است. دومین تأثیر اجتماعی منفی سرمایه اجتماعی عضویت در گروه می‌تواند از موفقیت در

پیشگام شدن در تجارت اعضای شان جلوگیری کند. گیرتز (۱۹۶۳) در مطالعاتی در باره توسعه قراردادهای اقتصادی در بالی مشاهده کرد که کارفرمایان چگونه دائماً به وسیله روابط پولی و کاری (رشوه دادن) ایجاد در دسر می کنند. این تقاضاها به سیستم قوی هنجارهایی که به اعضای خانواده کمک می کند، برمی گردد. سوم، سطح کنترل اجتماعی جامعه می تواند بر آزادی های شخصی محدودیت و فشار اعمال نماید. کنترل اجتماعی در شهرها و روستاها باعث فرار جوانان و ذهن های خلاق و مستقل می شود.

### یک مدل ساخت سرمایه اجتماعی

در کی بهتر از سرمایه اجتماعی ممکن است در اصطلاحات سیاسی بیان شود که می تواند تعداد زیادی از منابع سرمایه اجتماعی را بدون تأثیرات زیان آور که در بخش قبلی روی آنها تأکید شد، تولید کند.

به عبارت دیگر شبکه روابط محصول استراتژی های سرمایه گذاری، فرد یا جمعی است که آگاهانه یا ناآگاهانه در خلق یا بازسازی روابط اجتماعی که مستقیماً در دوره های طولانی مدت یا کوتاه مدت قابل استفاده باشد. بدین معنی که تغییر شکل دادن روابط، مانند همسایگی، محل کار، حتی خویشاوندی، به روابطی که یکبار ضروری و انتخابی است، اشاره بر احساس تعهد دایمی به طور درونی دارد (احساس قدرشناسی، احترام، دوستی و غیره) یا ضمانت های مؤسساتی (حقوقی) این از طریق فرآورده های سمبلیک اساسی به وسیله مؤسسات اجتماعی (مؤسساتی مانند خویشاوندان، برادر، خواهر، اقوام دور و غیره- یا به عنوان یک شوالیه یا قهرمان و بزرگتر و غیره) انجام می شود. یا به طور مداوم از طریق مبادلات (هدیه، حرف، زنان و غیره) که آن را تشویق و ایجاد می نماید دانش و شناخت دوجانبه را تولید می کند.

مدل زیر همچنین دارای یک ابزار کم کاربرد در نوشته های مربوط به شبکه به وسیله کاربرد یک وزن برای آن است (جانسون و گیلز، ۲۰۰۰). در این روش، افراد به وسیله مکانی که اشغال می کنند شخصیت پردازی می شوند. اشخاص در طول یک خط واقعی مانند کد فاصله آکرلف و فاصله بین دو فرد ارزش ایجاد یک رابطه مستقیم بین آنها را مشخص می کند. سپس به بیان فرضیه اصلی که از دبرو گرفته شده است؛ بازیگرانی نزدیکتر به هم هستند که ارزش کمتر بر روابط ایجاد نمایند.

اگر چه ماشینیزم در انباشت سرمایه اجتماعی به شکل ابزاری است، دیگر سرمایه‌های اجتماعی نیز می‌توانند از مدل استنباط شوند، برای مثال رفتارهای هماهنگ و انسجام‌همیشگی می‌تواند به عنوان قوانین معامله تفسیر شوند. به عبارت دیگر منابع فرضیه سرمایه اجتماعی-انسجام همیشگی- درون‌برد انگاره با ارزش، معاملات متقابل و اعتماد اجباری- محیط‌هایی برای عملکرد شبکه‌ها هستند. شکل معقول کارگزاران و به کارگیری روابط بر حسب ارزش و منافع این روابط است. ارزش و منافع بستگی به موجودیت سیستم قبلی ارزش‌ها و هنجارها دارد. منافع انباشت سرمایه اجتماعی ممکن است در یک رابطه که بر زمان اصرار داشته باشد نمود یابد. در جامعه ممکن است این رابطه نتایج منفی یا مثبت دربر داشته باشد. کسی که می‌تواند رابطه‌ای مبتنی بر همراهی با شخص دیگر را توسعه دهد، نه به خاطر قول درآمد بیشتر یا همراهی بیشتر، اما به خاطر یک پیشینه‌ی مشترک به رابطه‌ای مفید مبدل خواهد شد. لذا ممکن است همراهی به خاطر کار و عمل گذشته باشد (و شاید این عمل یک انتظار ایجاد کند آن قابل بازپرداخت باشد). از یک دیدگاه اقتصادی بخشش کارگزار برای پیشنهاد یک همراه، ممکن است معقول نباشد. اما اگر بخشش، منافع مثبت از روابط تاریخی گذشته دریافت نماید، ممکن است برای بخشیدن نماینده جهت ادامه شرکت در روابط بدون ضمانت صریح عاقلانه باشد.

شکل‌گیری پیوند نزدیک بین افراد به عنوان اساس برای مدل سرمایه‌گذرای انباشت سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد شبکه‌های اجتماعی به عنوان افراد روابط را حفظ می‌کنند. در ارتباط بودن به طور عمده منافع را برای فرد دربر خواهد داشت. در این راستا هنوز هم حفظ روابط ارزشمند است. یک پیوند شبکه سرمایه جاری در یک رابطه قرار گرفته است. زمانی که پیوندها فراتر از زمان شکل می‌گیرند و برقرار می‌مانند آن‌ها شروع به انباشت سرمایه می‌کنند. وجود پیوندهای اجتماعی باید به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر شود. اما این مدل اثبات می‌کند که سرمایه اجتماعی هنگامی که از طریق پیوندهای اجتماعی حفظ نمی‌شود، کاهش می‌یابد.

### شبکه اجتماعی

در تحلیل شبکه رسمی (ویلسون؛ ۱۹۸۵) روابط بین بازیگران به وسیله نمودارهایی نشان داده شده است که برجستگی‌های آن با بازیگران شناخته می‌شود و در لبه آن روابط دوگانه بین این



بازیگران وجود دارد. این روابط به عنوان پیوند اجتماعی که منجر به ایجاد منافع برای بخشهایی مرتبط می شود در شکل (۱) آمده است. نقطه ها افراد هستند و خط چین ها روابط بین آنها. ارائه یک مجموعه از بازیگران  $N$  یک پیوند  $i, j$  زیر مجموعه  $N\{i, j\}$  شامل  $i$  و  $j$  است. شبکه ها به عنوان مجموعه ای از پیوندها بر  $N$  یا به سادگی

$g = \{i, j \mid i, j \in N\}$  تعریف می شود.  $g$  اغلب نمودارها یا شکل  $g$  یک شبکه بر  $N$

(غیرمستقیم) نامیده می شود. هر شبکه احتمالی باید یک زیرمجموعه از شبکه کامل یا  $g \subset g$  باشد.  $G$  یک شبکه غیرمستقیم نامیده می شود زیرا خط، یک خط دوراهی است. اگر  $i$  به  $j$  مرتبط باشد، پس می تواند فرض شود که  $j$  به  $i$  هم مرتبط است. مرتبه بازیگران به سادگی خطوطی است که بازیگران دارد.

ارتباطات ----

شکل (۱) مدل خطی شبکه روابط دوازده بازیگر

### پویایی تشکیل سرمایه اجتماعی

یک جامعه متعدد یا محدود از بازیگران  $N = \{1, 2, \dots, n\}$  است که به صورت فاصله ای دور یک دایره توزیع می شوند. بازیگران به دور دایره در یک روش مساوی توزیع می شوند. شکل شماره (۱) بر ۱۲ بازیگر اشاره دارد. زمان در یک دوره صفر شروع می شود و با فهرستی از مجموعه اعداد طبیعی ادامه پیدا می کند. هر دوره زمانی ناپیوسته  $\{1, 2, 3, \dots\}$   $t \in N_0$  ارتباط پیوند خودشان با دیگر بازیگران را تشکیل یا جدا می کند. منافع هر بازیگر بستگی به منافع به دست آمده در هر دوره شبکه دارد. منافع شبکه بستگی به روابط فراتر از زمان پرداخت هر دوره  $b_{ij}$  باقی می ماند، سود شبکه یا منافع شبکه نماینده  $i$  از نماینده  $j$  دریافت می شود. فرض کنید بازیگر  $i$  و

بازیگر  $j$  با هم پیوندی ندارند و بنابراین مجبورند که تصمیم بگیرند که یک پیوند دوسویه ایجاد کنند. بازیگر  $i$  و  $j$  منافع شبکه مرتبط با همدیگر را ملاحظه می کنند. اگر  $b_{ij} \geq 0$  و  $b_{ji} \geq 0$ ، پس هر دو بازیگر به تشکیل پیوند موافقت خواهند کرد. اگر هر یک از بازیگران در وضع نامناسبی برای تشکیل پیوند باشند، به این معنی است که هر یک  $b_{ij} < 0$  یا  $b_{ji} < 0$  است، پس پیوند تشکیل نخواهد شد. منافع کل برای هر بازیگر  $i$  به وسیله انتخاب پیوند با بازیگران  $j$  که یک منافع مثبت شبکه  $b_{ij}$  پیشنهاد می دهد، به حداکثر می رسد. هر تصمیم پیوند مستقل است.

منافع شبکه،  $b_{ij}$  برای بقای رابطه بازیگر  $i$  فراتر از زمان با بازیگر  $j$  دارای شش کارکرد است: ۱- آیا پیوند در دوره زمانی کنونی نشان داده می شود یا نه ۲- ارزش پیوند  $i, j$  در دوره زمانی کنونی ۳- چه مقدار  $j$  با دیگر بازیگران به خوبی تماس برقرار می کند ۴- سرمایه اجتماعی برای بازیگر  $i$  بر اساس رابطه بین  $i$  و  $j$ ، ۵- تعداد بازیگرانی که بازیگر  $j$  با آنها رابطه برقرار می کند ۶- ارزش رابطه با بازیگر  $j$ . هر یک از این شش عامل به صورت جزئیات بیشتر عنوان و توضیح داده می شود. همه تعاریف با  $i, j \in N$  و  $i \neq j$  هستند.

**-  $I_{ij}, t$ :** دلالت بر این دارد که  $i, j$  در زمان  $t$  نشان داده می شود. اگر پیوند  $i, j$  در زمان نشان داده می شود ( $i, j \in qt$ ) پس  $I_{ij}, t = 1$  است. به عبارت دیگر پیوند  $i, j$  در زمان ارائه نشود، پس  $I_{ij}, t = 0$  است.

**-  $V_{ij}, t$ :** ارزش پیوند بازیگر  $i$  در دوره کنونی با سهم بازیگر  $j$  با واکنش کنونی است.  $V_{ij}, t$  می تواند یک «هدیه» یا «سخن» باشد. «سپاسگذاری» بورديو که به بخش اول این قسمت برمی گردد. آن فقط در دوره کنونی اتفاق می افتد و تنها زمانی قابل حصول است که پیوند نشان داده شود. این ارزش برون دار مدل است. یک ارزش پیوستن موجود است، و این ارزش کمی بالاتر از حداقل ارزش ارتباط است. این تشکیل حداقل یک پیوند را برای هر بازیگر تضمین می کند. مضافاً فرض ساده که ارزش دریافت از بازیگر  $i$  شبیه ارزش دریافتی از بازیگر  $j$  باشد، درست می شود، به عبارت دیگر  $V_{ij}, t = V_{ji}, t$

**-  $S_{ij}, t$ :** این عامل سرمایه اجتماعی بر بازیگر  $i$  بر اساس کل روابط بین  $i$  و  $j$  است. ممکن است یک ارزش مثبت برای بازیگران  $i$  و  $j$  داشته باشد اگر آنها حداقل در یک دوره در گذشته با هم ارتباط داشته اند سرمایه اجتماعی در نرخ  $\delta$  کم ارزش یا در نرخ  $(1 - \delta)$  انباشته شود.  $S$  صرفاً

نمادی برای جمع است.

$$s_{ij,t} = \sum_{s=1}^{t-1} I_{ij,s} (1-\delta)^{t-s} b_{ij,s}$$

نوشتن در یک روش جایگزین فرمول امکان دارد سرمایه اجتماعی برای بازیگر  $i$  با بازیگر  $j$  به آسانی استهلاک (کم ارزش) جمع نگهداری سرمایه اجتماعی در دوره گذشته و مرتبط با منافع دوره قبل باشد.

$$S_{ij,t} = (1-\delta)[S_{ij,t-1} + b_{ij,t-1}]$$

**R<sub>ij,t</sub>** - این فاکتور به اندازه گیری (مقیاس) تعیین کننده خوبی عامل  $j$  در واکنش با دیگران است. آن می تواند به عنوان یک متغیر معتبر یا عامل قابل اعتماد تفسیر شود. ارزش بالاتر از این، به خاطر افزایش فرصت برای منافع غیر مستقیم منافع بیشتری از بازیگر  $i$  دریافت شود. همچنین اگر عامل  $j$  با دیگران پیوند خوبی برقرار کند، پس برای عامل  $i$  منطقی است که باور داشته باشد که پیوند با عامل  $j$  به صورت شخصی ممکن است سودآور باشد.

$$R_{j,t} = \sum_{s=0}^{t-1} (1-\delta)^{t-s} b_{j,s}$$

هر جا  $b_{j,t} = \sum_k b_{kj,t}$  به سادگی جمع همه منافع  $i$  از هر پیوند دریافت می کند  $j$  در دوره  $t$  شرکت می کند. اعتبار همچنین فراتر از زمان بر اساس نرخ  $\delta$  کاهش می یابد. نوشتن در روش جایگزین ممکن است آسانتر باشد که ببینیم اعتبار برای  $j$ ، از دیدگاه بازیگر  $i$ ، به سادگی کاهش ارزش نگهداری اعتبار و منافع مرتبط شبکه با دوره قبل باشد (پیوند  $j$  در دوره قبل نشان داده شد).

$$R_{j,t} = (1-\delta)[R_{j,t-1} + b_{j,t-1}]$$

**z<sub>j</sub>, dt** - یک فاکتور جمعیتی (عددی) است.  $dt$ ،  $j$  تعداد افرادی است که بازیگر  $j$  با زمان  $t$  ارتباط برقرار می کند. از نظر تکنیکی، این رتبه  $j$  در نمودار  $gt$  از زمان  $t$  برای همه  $i \in g$  نامیده می شود. اگر  $j$  سه بازیگر دیگر در زمان  $t$  مرتبط باشد، پس:  $dt = 3$ ،  $j$  به اندازه ارتباط، اگر  $j$  با خیلی از افراد ارتباط داشته باشد، این باعث انبوهی (تراکم) می شود و  $i$  آنچنان که پیش بینی

می‌شد منافع زیادی را ممکن است بدست نیورد.

$$d_{j,t} = \sum_{i=1}^n I_{ij,t}$$

**Cij** - هر دوره، وجود یک پیوند بین بازیگران  $j$  و  $i$  در یک ارزش ماندگار برای هر دو بازیگر در بردارد. ارزشهای  $C_{ij}$  به وسیله فاصله بین دو بازیگر در یک چرخه مشخص می‌شود. برای مثال اگر بازیگر  $j$  و  $i$  بازیگر ۵ و ۲ باشند، پس معلوم است که دو بازیگر موجود هستند، بازیگران ۳ و ۴ بین آنها هستند. دو فاصله بین این دو بازیگر وجود دارد. برای بازیگر ۱۵ ارتباط با بازیگر ۳ یا ۴ ارزانتر تمام می‌شود زیرا هر دوی این بازیگران نزدیکترند. ارزش ارتباط،  $C_{ij}$  (در این حالت  $C_{ij} = C_{25}$ ) خطی در فاصله بین دو بازیگر است. به صورت فرمول می‌توان چنین فرض نمود که:

$$C_{ij} = \min \{ r|j - i|, r(n - |j - i|) \}$$

که تعداد  $n$  بازیگران و  $r \geq 0$  واحد ارزش پیوند نامیده می‌شود.

مدل برای تجمیع دو نمونه با فرض یک کارکرد از منافع پیوند یک بازیگر شبکه به عنوان ترکیب ساده‌ی همه فاکتورها بیشتر ساده شده است.

$$b_{ij,t} = k_1 I_{jt,t} + k_2 S_{ij,t} + k_3 R_{j,t} - I_{ij,t} h(d_{j,t}) - I_{ij,t} C_{ij} \quad (1)$$

که  $k_1$ ,  $k_2$  و  $k_3$  ثابت هستند و  $h(d_{j,t})$  مقدار کارکرد بر رتبه بازیگران است. این نمونه‌ها جهت رسیدن به بینش در تشکیل سرمایه اجتماعی تجمیع می‌شوند.

از این نظر بحث در مورد تفاوت بین کاهش ارزش (استهلاک) سرمایه اجتماعی و بقای ارزش یک پیوند مفید است. هر دوی آنها تأثیر منفی بر منافع شبکه دارند. سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از اشکال سرمایه، یک دارایی محسوب می‌شود. ارزش دارایی‌های اجتماعی فراتر از زمان، کاهش یافته یا از بین می‌رود. دو دلیل برای این کاهش یا زوال دارایی اجتماعی وجود دارد: اولی این است که زمانی که جایگزین‌ها توسعه می‌یابند - اعم از دارایی اجتماعی و یا فیزیکی - ارزش خود را از دست می‌دهند. یافتن یک نمونه رابطه‌ای که دیگر نیاز یکی از شرکاء را برآورده سازد سخت نیست. دلیل دوم همچنان که زمان می‌گذرد، ارزش منافع گذشته ممکن نیست که به طور کامل به وسیله ذینفع به خاطر آورده شود و بنابراین این منافع گذشته در ورای زمان مقداری

از ارزش آن‌ها از دست می‌رود. از طرف دیگر بقای ارزش‌ها (قیمت‌ها)، تشکیل و نشان دهنده ماندگاری یک رابطه هستند و همه پیوندها و ماندگاری ارزش  $C_{ij}$  اختصاص به یک پیوند مخصوص دارد.

### بحث در مورد شبیه‌سازی نتایج

شبیه‌سازی با شبکه خالی شروع می‌شود. ابتدا سرمایه اجتماعی و اعتبار، صفر هستند زیرا هیچ پیشینه از پیوند  $S_{ij}, t=0$  و  $R_{ij}, t=0$  برای همه  $ij \in N$  وجود ندارد. بازیگران به دور یک دایره با نسبت مساوی تقسیم می‌شوند. هر مقطع زمانی که  $t \in N_0 = \{0, 1, 2, 3, \dots\}$  یک جفت به صورت اتفاقی انتخاب می‌شوند و از آنها خواسته می‌شود اگر آنها مایل باشند یک پیوند را ایجاد نمایند و یا از هم جدا شوند. اگر منافع پیوستن آنها به خط مثبت باشد، بازیگران اضافه شدن به پیوند را انتخاب می‌کنند، و اگر  $b_{ij}, t \geq 0$  و اگر منافع آنها منفی باشد از پیوند با دیگران جدا می‌شوند،  $b_{ij}, t < 0$ . بازیگرانی که به ماندن پیوند خود ادامه دهند سرمایه اجتماعی و اعتبار را کسب می‌کنند.

برای  $V_{ij}, t=V$  و  $i, j \in N$  فرضی برون‌زاد و ثابت است. این بدان معنی است که برای هر جفت بازیگران تشکیل یک پیوند، ارزش واکنش کنونی  $V_{ij}, t$  به سادگی مقدار ارزش بیش تعریف شده هر دوره است. پارامترهای پیش فرض  $k_1, k_2$  و  $k_3$  مقدارهای منافع کنونی  $V$  سرمایه اجتماعی  $S_{ij}, t$  و اعتبار  $R_{j}, t$  به ترتیب  $V$  ارزش ارتباط هر بخش و  $\delta$  نرخ استهلاک است. در نمونه اول  $h(dj, t)$  خطی است، و در مثال دوم آن درجه دوم قرار دارد. در مدل نخست، مدل خطی، سرمایه اجتماعی زمانی که روابط همسان، تشکیل نمی‌شود. پس سرمایه اجتماعی در یک سطح ثابت می‌ماند. شبیه‌سازی‌ها با ۲۰ بازیگر برای  $10/000$  دور معتبر است. باقیمانده  $8/000$  دوره (تصویر نشده) مقدار زیادی شبیه ادامه شکل ۲ است.

این سیستم ویژه براساس قوانینی اجازه می‌دهند سرمایه اجتماعی تشکیل، ادامه و باقی بمانند، اما نه در سطحی که بازیگران را تشویق به ماندن پیوندهایی که دورتر از همسایگان مستقیم‌شان باشند نمایند. در مدل خطی، پیوند بازیگران فقط با همسایگان نزدیک است. سرمایه اجتماعی در یک سطح ثابت نزدیک تا زمانی که نتایج شبکه تثبیت شود، باقی می‌ماند. این به خاطر پارامترهای

پیش فرض شده جهت ایجاد این برآیند (درآمد) دستکاری می شوند. این نمونه نشان می دهد که اگرچه سرمایه اجتماعی یک دارایی است ولی ضرورتاً امکان انباشت را در یک سطح - که به افراد اجازه برقراری رابطه متفاوت با ارزش بدهد- ندارد. این ارتباط دور (متفاوت) به خاطر این که آن ها "پیوند ضعیف" گرانوتر را نشان می دهند از اهمیت زیادی برخوردار است. آن ها روابطی را که بتواند در انگیزه یک فرد موثر باشد، نشان می دهند. همچنانکه این شبیه سازی، هزینه، معاملات با «بیرون» ممکن است برای افراد قابل تحمل نباشد.

روابط و

منفعت

— سود کلی شبکه  
— سرمایه اجتماعی کلی

زمان

شکل (۲) مدل خطی منفعت کلی شبکه و سرمایه اجتماعی کلی در ۲۰۰۰ دوره ی زمانی مدل دوم، به عنوان یک مدل درجه دوم به آن اشاره می شود. با یک شبکه خالی شروع می شود، ۱۰ بازیگر و ۱۰/۰۰۰ دوره اعتبار دارد. نتیجه گیری آن هیچ حالت ثابتی ندارد. از این رو سیستم در تحول دائمی باقی می ماند. به همان اندازه در مدل خطی بازیگران قادر نیستند بدون بعضی منافع تاریخی (پیشینه) از عهده یک پیوند طولانی مدت برآیند. در این مدل، هر چند که به همان اندازه سرمایه اجتماعی بازیگر انباشته می شود. این انباشته شدن سرمایه اجتماعی به نوبه خود موجب افزایش اعتبار بازیگر می باشد. نهایتاً افزایش اعتبار هم موجب ایجاد پیوند دور و گرانتر می شود. اندازه تشکیل شبکه با خط های قوی مستقیم در شکل ۳ ترسیم شده است. اندازه شکل اکثراً از ۱ بازیگر تا ۱۲ بازیگر افزایش می یابد. پس آن در اندازه ۹ تا ۱۲ بازیگر تنوع آن ادامه می یابد. اگر اندازه شبکه از ۱۰ بزرگتر باشد پس باید حداقل ۲ بازیگر از ۱۰ بازیگر با بازیگران دورتر از همسایه های مستقیم شان ارتباط برقرار سازند.

روابط و

منفعت

— اندازه شبکه  
— منفعت کلی شبکه  
— سرمایه اجتماعی کلی

زمان

شکل (۳) مدل درجه دوم مقایسه اندازه شبکه، سرمایه اجتماعی کل و منفعت کلی بعضی اوقات شبکه با ۱۰ بازیگر و گاهی با ۱۲ بازیگر ساخته می شود. شبکه می تواند سرمایه بیشتری را به دست آورد (شکل ۳). وقتی که یک پیوند بیشتر تشکیل شود، این افزایش پیوند باعث تأثیرگذاری اعضای مرتبط دیگر با شبکه برای از دست دادن سرمایه اجتماعی مربوط به افزایش جمعیت می شود. تأثیر این انبوه زدگی در نوشته ها با بحث در مورد بعضی از تأثیرات منفی سرمایه اجتماعی روشن شده است. یک گروه شبکه خاص، ممکن است در محدود کردن پذیرش اعضا مجاز باشد. در این مدل، سرمایه اجتماعی هر پیوند به صورت شبیه سازی فراتر از زمان کاملاً تغییر می کند. فرورفتگی اصلی در سرمایه اجتماعی دوره های زیادی جمعیت در شبکه ناشی می شود. شکل ۴ سطح طوفانی (آشفته) سرمایه اجتماعی برای چند صد دوره است. ۸/۰۰۰ دوره باقی مانده (تصویر نشده) خیلی شبیه ادامه شکل ۴ می باشد.

روابط و

منفعت

— سود کلی شبکه  
— سرمایه اجتماعی کلی

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
زمان

شکل (۴) مدل درجه دوم منفعت کلی شبکه و سرمایه اجتماعی کلی در ۲۰۰۰ دوره‌ی زمانی

هر دو مدل انباشت سرمایه اجتماعی نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی می‌تواند بدون ایجاد انگیزه برای همه بازیگران مرتبط به وجود آید. یعنی منافع مجبور به افزایش از نقطه نظر ایجاد ارتباط تفاوت اولیه بین ساخت دو مدل شبیه سازی چگونگی کنترل انبوهی زایی است. در مدل اول آن به صورت عملکرد خطی درجه و رتبه ارتباطی یک بازیگر است، این یک قاعده اصلی در محدودیت مقدار سرمایه اجتماعی انباشته شده را دارد. در این مدل ضریب بر  $S_{ij,t}$  و  $R_{j,t}$  نقش اصلی را در حفظ حالت منافع شبکه تقریباً به صورت ثابت بازی می‌کند. برای مشاهده یک سیستم که سرمایه اجتماعی را بسازد، پیوندهای دور بیشتر باقی می‌ماند و شبکه کامل ایجاد نمی‌شود، پس به بعضی از ترکیبات یک کارکرد انبوه‌زایی درجه دوم و یک کارکرد و ارزش درجه دوم نیاز است.

یکی از توسعه‌های مهم و مورد نیاز برای شاخص مدل، کارگزاران ناقص، کسانی که همیشه به طور دائمی منافع  $V_{ij}$  اعطا نمی‌کنند به خاطر طبیعت نامطمئن انگاره بازگشت سرمایه اجتماعی، بازیگران در فهم  $V_{ij,t}$  ناتمام خواهد بود. جمعیت بازیگران می‌تواند به دو دسته تقسیم شوند. بازیگرانی که منافع کنونی  $V_{ij,t}$  را با احتمال  $1 - E_1$  می‌دهند و بازیگرانی که منافع کنونی  $V_{ij,t}$  با احتمال  $1 - E_2$  می‌دهند، که اساساً  $E_1 < E_2$  بازیگران در احتمال منافع متفاوت هستند. منافع شبکه برای بازیگر  $i$  جهت یک رابطه با بازیگر  $j$  در یک سیستم مشخص یا تساوی (۱) به صورت فرمول زیر نشان داده می‌شود:

$$b_{ij,t} = k_1 I_{jt,t} E(V_{ij,t}) + k_2 S_{ij,t} + k_3 R_{j,t} - I_{ij,t} h(d_{j,t}) - I_{ij} C_{ij} \quad (2)$$

برای سیستمی با کارگزاران ناقص  $(V_{ij,t}) = (1 - E_1) V_{ij,t}$  اگر بازیگر  $j$  نمونه ۱ بود و رابطه  $(V_{ij,t}) = (1 - E_2) V_{ij,t}$  بود اگر بازیگر  $j$  نمونه ۲ بود، بازیگران می‌توانستند در اعتبار و همچنین مدت زمان پیوند مختار باشند. برای ساده کردن مطلب، بازیگر نمونه ۱ ثابت و نمونه ۲ را متغیر بنامیم. انتظار می‌رود که سرمایه اجتماعی برای حفظ روابط با هر دو نماینده مورد استفاده قرار گیرد. هدف این توسعه می‌تواند این فرض مطمئن باشد؛ فقرا دارایی کمتری نسبت به



ثروتمندان دارند، فقرا ثبات کمتری با توانایی‌هایشان در برخورد با تعهدات ( $E(Vij,t)$ ) در شبکه اجتماعی دارند. ضرورتاً ثبات کمتر نمایندگان باعث حفظ سرمایه اجتماعی کمتر از نمایندگان ثابت درست است، اما ممکن است آنها در حفظ ارتباط با روابط کم ارزش محدود شوند. روابطی مانند همسایگان اضطراری، خانواده و دوستان نزدیک که نتوانند دور و سودآوری پیوند را حفظ نمایند.

در این شبیه‌سازی، هر بازیگر به یک اندازه شانس برخورد با دیگر بازیگران را دارا است. این به راستی یک فرض سنگین است. اگر این فرض درست باشد که چنین تفاوت‌های بزرگی بین مردم (اجتماعی یا جغرافیایی) وجود دارد، احتمال تلاقی بعضی جفت‌ها خیلی به صفر نزدیک است، پس مهم نیست که یک فرد چه مقدار سرمایه دارد؛ بعضی پیوندها هم هستند که هرگز تشکیل نمی‌شوند. از نظر مدل ارائه شده، دایره می‌تواند به دو رشته پیوند تقسیم شود که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین دو نیمه وجود نداشته باشد. یک نمونه دنیای واقعی این پدیده یک جامعه منزوی است. یک عضو نماینده جامعه می‌تواند همه افراد دهکده را بشناسد و می‌تواند مقدار زیادی سرمایه اجتماعی را در دهکده حفظ کند. چون فرصت برای واکنش خارجی به دهکده‌اش غیر ممکن است، او هیچ پیوندی با عالم بیرون ندارد و این یک نمونه نهایی است. با این وجود این مورد نمونه جالبی نخواهد بود در صورتی که با قبول این فرض همراه باشد: اگر محدودیت‌هایی در سرمایه اجتماعی تولید شده در روستا وجود داشته باشد، تنها راه افزایش سرمایه اجتماعی برداشتن مانع بین روستائیان و عالم بیرون است.



**Pierre Bourdieu** (August 1, 1930 – January 23, 2002) was an acclaimed French sociologist whose work employed methods drawn from a wide range of disciplines: from philosophy and literary theory to sociology and anthropology. He is best known for his book *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, in which he tried to connect aesthetic judgments to positions in social space. The most notable aspect of Bourdieu's theory is the development of methodologies, combining both theory and empirical data, that attempt to dissolve some of the most

troublesome antagonisms in theory and research, trying to reconcile such difficulties as how to understand the subject within objective structures (in the process, trying to reconcile structure and agency)

#### Selected works: **Pierre Bourdieu**

- Bourdieu, Pierre, *Distinction: a Social Critique of the Judgment of Taste*, translated by Richard Nice, [Harvard University Press](#) (1984)
- Bourdieu, Pierre, *Language and Symbolic Power*, [Harvard University Press](#) (1991)
- *Les héritiers: les étudiants et la culture* (1964), engl. *The Inheritors: French Students and Their Relations to Culture*, University of Chicago Press 1979
- *Algeria 1960: The Disenchantment of the World: The Sense of Honour: The Kabyle House of the World Reversed: Essays*, Cambridge Univ Press 1979
- *Esquisse d'une théorie de la pratique, précédé de trois études d'ethnologie kabyle* (1972), engl. *Outline of a Theory of Practice*, Cambridge University Press 1977
- *Homo Academicus*, (French Edition) Les Éditions de Minuit, Paris, 1984. (English Edition) [Polity \(publisher\)](#) 1990
- *Reproduction in Education, Society and Culture* (Theory, Culture and Society Series), Sage, 1990, with Jean-Claude Passeron (in French: *La Reproduction. Éléments pour une théorie du système d'enseignement*, Minuit, 1970)
- with [Luc Boltanski](#) e P. Maldidier, *La défense du corps*, in *Social Science Information*, vol. 10, n° 4, pp.45-86, 1971
- with [Luc Boltanski](#), *Le titre et le poste : rapports entre système de production et système de reproduction*, in *Actes de la recherche en sciences sociales*, vol. 1, n° 2, pp. 95 – 107, 1975.
- with [Luc Boltanski](#), *Le fétichisme de la langue*, in *Actes de la recherche en sciences sociales*, vol. 1, n° 4, pp. 2– 32, 1975.
- with [Luc Boltanski](#), *La production de l'idéologie dominante*, in *Actes de la recherche en sciences sociales*, vol. 2, n° 2-3, 1976, pp. 4-73.
- *Choses dites*, 1987 - *In Other Words: Essays toward a Reflective Sociology*, Stanford, 1990
- *The Political Ontology of Martin Heidegger*, [Polity \(Publisher\)](#) 1991
- *The Love of Art: European Art Museums and Their Public*, Stanford University Press 1991
- *Language & Symbolic Power*. [Harvard University Press](#) 1991, paperback edition, [Polity \(publisher\)](#) 1992
- *An Invitation to Reflexive Sociology* (with Loic Wacquant), University of Chicago Press and [Polity \(publisher\)](#) 1992
- with [Hans Haacke](#), *Free Exchange*, Stanford University Press 1995
- (with [Luc Boltanski](#) and Robert Castel), *Photography: A Middle-Brow Art*, Stanford University Press 1996
- *Les règles de l'art*, 1992 - *Rules of Art: Genesis and Structure of the Literary Field*, Stanford University Press 1996
- (with Monique De Saint Martin, Jean-Claude Passeron). *Academic Discourse: Linguistic Misunderstanding and Professorial Power*, [Polity \(publisher\)](#) 1996
- *Practical Reason: On the Theory of Action*, Stanford University Press 1998
- "La domination masculine" (1998), engl. *Male Domination*, [Polity \(publisher\)](#) 2001
- *State nobility. Elite Schools in the Field of Power*, [Polity \(publisher\)](#) 1998
- *Weight of the World. Social Suffering in Contemporary Society*, [Polity \(publisher\)](#) 1999
- *On Television*, New Press 1999
- *Acts of Resistance: Against the Tyranny of the Market*, New Press 1999
- *Pascalian Meditations*, [Polity \(publisher\)](#)